

## نگاه تطبیقی بر جامعیت قرآن از دیدگاه آیت ا. شهید مطهری و آیت ا. جوادی آملی

حسین کیخواه نژاد

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث و مدیر مدرسه ابتدایی ناحیه دو زاهدان

### چکیده

جامعیت قرآن یکی از مباحث مهم دین شناسی، بخصوص در علوم قرآنی می باشد. جامعیت کلام الهی مورد توجه مفسران و قرآن پژوهان از گذشته تا کنون بوده است. هدف از نوشتن این مقاله باز کاوی جامعیت قرآن و کامل بودن آن در همه ی زمینه ها می باشد. که این باز کاوی با نگاه تطبیقی بین دو عالم و فیلسوف گرانقدر آیت ا. شهید مطهری و آیت ا. جوادی آملی انجام گرفته است. روش ها و یافته های این دو عالم ارجمند در متن مقاله آمده است.

نتیجه آنکه، جامعیت قرآن مقوله ای است که دانشمندان و مفسران پیرامون آن بحث و بررسی هایی انجام داده اند این چنین جستجوها و کنکاش هایی که در تفسیر و تعیین قلمرو جامعیت قرآن بوده است باعث پدید آمدن نظرات مختلف شده است و البته شکی نیست که همه ی اندیشمندان و مفسران قرآنی در این خصوص دیدگاه واحدی دارند همانطور که خداوند در قرآن کریم می فرماید: ((إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ))<sup>1</sup>

**واژگان کلیدی:** جامعیت قرآن، معاد باوری، هدایت گری، هدایت تشریحی، هدایت فطری، لذات و آلام جسمانی و روحی، تقوا، قلب سلیم، شبهه علمی و عملی - ارهاص - کرامت و معجزه

<sup>1</sup>سوره اسرا آیه 9

## مقدمه

اهمیت و ضرورت بحث به دلیل آنکه جامعیت قرآن کریم در شمارمبانی مهم تفسیر قرآن است، می باشد و می توانیم آن را به معنای ((شمولیت در برگیرندگی، این کتاب آسمانی در زمینه های مختلف بدانیم. اینکه می گوییم ((در زمینه های مختلف)) به این دلیل است که طی بحث و بررسیهای فراوانی که درباره قلمرو قرآن صورت گرفته، جامعیت این کتاب الهی را در زمینه ها و بسترهای گوناگونی قابل بیان دانسته اند. لذا معنای اصطلاحی «جامعیت» را باید به لحاظ قلمرو و در دیدگاه اندیشمندان، مفسران و صاحبان قلم جستجو نمود.

تفسیر کنندگان مبنا و دیدگاه خود در مورد جامعیت قرآن را در آثار مستقل قرآنی یا مقدمه کتابهای تفسیری و یا نوعاً در متن تفاسیرشان بیان داشته و می دارند. که دیدگاه دو عالم و فیلسوف گرانقدر آیت... شهید مطهری و آیت... جوادی آملی در باب جامعیت قرآن در متن تفاسیرشان آمده است.

در خصوص جامعیت قرآن سوالات مختلفی در مسایل گوناگون وجود دارد از جمله:

1- جامعیت قرآن در مورد هدایت گری چیست؟

2- جامعیت قرآن در مورد معاد و جهان آخرت چیست؟

3- جامعیت قرآن در مورد مسئله تقوا چیست؟

4- جامعیت قرآن در مورد مسئله ی اعجاز چیست؟

در کنکاش از پیشینه ی پژوهش، هرچند تلاش بسیار کردیم تا اثری علمی در موضوع جامعیت قرآن از منظر این دو عالم بزرگوار بیابیم، به جایی نرسیدیم بنابر این از متن تفاسیرشان موضوعاتی را که به این موضوع مربوط و هردومفسر در این مورد بحث نموده اند مورد تطبیق قرار دادیم. امید است مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

## جامعیت قرآن در هدایت گری از دیدگاه شهید مطهری

شهید مطهری در باب جامعیت قرآن در مورد مسئله هدایتگری قرآن در تفسیر سوره ی بقره آیه ی 2 به این موضوع اشاره نموده اند و به صورت زیر بیان کرده اند:

((در شناخت قرآن و نزدیک شدن به آن، باید بدانیم قرآن برای چه هدفی نازل شده است و ماهیت آن چیست، زیرا اگر انسان نداند کتابی برای چه هدفی نوشته شده است، نمی تواند در باره ی آن اظهار نظر کند.))

قران کتاب هدایت است (هدی)، اما قران نه تنها همه را هدایت نمی کند، بلکه عده ای به وسیله آن گمراه می شوند ((یضل به کثیرا ویهدی به کثیرا))<sup>۲</sup> البته ((ما یضل به الا الفاسقین))<sup>۳</sup> یعنی خدا به وسیله ی قران کسانی را به جز فاسقان گمراه نمی کند. فاسق، یعنی کسی که از مسیر فطرت انسانی خارج شده. قران مانند ریسمان است که هم می توان به وسیله آن بالا رفت و هم می شود پایین رفت و اگر کسانی پایین می روند و گمراه می شوند عیب از ریسمان نیست. این کتاب هدایت کننده ی متقین و پاکان است، مراد از کلمه ی متقین (پاکان) در این جا همان هایی هستند که به فطرت پاک اولیه باقی مانده اند، هر انسانی پاکیزه به دنیا می آید، یعنی مجهز به به یک تقوی ذاتی است، ولی ممکن است در اثر آلودگی های محیط، به تدریج از مسیر فطرت خارج شود تا جایی که به کلی مسخ گردد.

### جامعیت قران در هدایت گری از دید گاه آیت ا... جوادی آملی

از دیدگاه جوادی آملی خدای سبحان در آیاتی چند از قران کریم را کتاب هدایت همه ی انسان ها معرفی می کند: ((شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن هدی للناس))<sup>۴</sup> ((وما هی الا ذکری للبشر))<sup>۵</sup>. عموم و اطلاق این گونه آیات، مفید همگانی و همیشگی بودن هدایت قرانی است. افزون بر این که، سیره ی عملی رسول اکرم (ص) نیز دعوت همگان به پذیرش اسلام بود. از طرف دیگر، گروندگان به اسلام و رسول اکرم (ص) نیز از هر گروه بودند و اسلام آنان نیز پذیرفته می شد. ولی از طرف دیگر، آیاتی چون ((هدی و رحمة للمومنین))<sup>۶</sup> ((هدی للمتقین))<sup>۷</sup> ((هدی و رحمة للبشری للمسلمین))<sup>۸</sup> هدایت قران ویژه ی<sup>۹</sup> پاکان، پرهیزکاران، مومنان و مسلمانان معرفی می کند و این پرسش را پدید می آورد که با وجود ادله ای که عمومی بودن هدایت و دعوت قران را اثبات می کند، سر اختصاص آن به مومنان، پاکان، محسنان و مسلمانان چیست؟ برای پاسخ به این سوال سه بیان ارائه شده است که جواب دقیق تر و جامع تر را بیان می کنیم:

مراد از هدایت ویژه ی پرهیزکاران، همان هدایت تکوینی (ایصال به مطلوب) است که متاخر از هدایت تشریحی همگانی قران (ارائه طریق) است و مراد از متقین نیز کسانی هستند که اولاً سرمایه ی فطرت را با شنیدن پیام فطرت حفظ کرده باشند و به

<sup>۲</sup> خدا جمع زیاد با آن گمراه و گروه بسیاری را هدایت می کند (بقره 26)

<sup>۳</sup> (بقره 26)

<sup>۴</sup> سوره بقره آیه 185

<sup>۵</sup> سوره مدثر آیه 31

<sup>۶</sup> سوره یونس آیه 57

<sup>۷</sup> سوره بقره آیه 2

<sup>۸</sup> سوره لقمان آیه 3

<sup>۹</sup> سوره نحل آیه 89

<sup>۱۰</sup> ((ظاهراً لام در هر 4 آیه برای اختصاص آمده است))

عبارت دیگر هم فطرت خویش را شکوفا ساخته و هم با راهنمایی قرآن، بخشی از راه را پیموده باشند، آنگاه پاداشی ایصال به مطلوب نصیب آنان خواهد شد.

سر تاکید بر زمینه سازی حیات فطری برای پذیرش قرآن این است که اگر انسان با سوء اختیار خود، فطرت اصیل خویش را در گور هوا و هوس دفن کرد دیگر نمی تواند از هدایت قرآن بهره مند گردد، زیرا رسالت قرآن شفا بخشیدن به بیماران است: ((شفاء لما فی الصدور))<sup>11</sup>، نه زنده کردن مردگان و گواه این مدعا، آیه ی شریفه ی ((لینذر من کان حیوا یحق القول علی الکافرین))<sup>12</sup> است که به قرینه ی مقابله (زنده با کافر) کافر را مرده می داند.

### نگاه تطبیقی بر دیدگاه شهید مطهری و جوادی آملی در باب جامعیت قرآن در هدایت گر بودن آن

جامعیت قرآن در هدایت گر بودنش را می توان در چارچوب هدف و فلسفه ی نزول آن نیز بیان کرد که قرآن، تبیان همه ی امور هدایتی می باشد طبق آیه ی ((وجئنا بک علی هولاء و نزلنا علیک الکتاب تبیا نا لکل شیء و هدی و رحمۃ و بشری للمسلمین))<sup>13</sup> که خداوند می فرماید: ((توراگواه برآن آوردیم، در حالی که قبلا بر تو در دنیا قرآن را نازل کردیم، کتابی که هر آنچه را که مربوط به امر هدایت است بیان می کند، و بدان حق و باطل دانسته می شود)) در این آیه تاکید شده است که در قرآن تمام مسایلی که برای هدایت بشر لازم است آمده است و حق و باطل در آن آشکار و متمایز گردیده است. طوری که به استناد به آن و معیار قرار دادنش می توان اعمال و رفتار و افکار همگان را در روز حساب با آن سنجید.

شهید مطهری و آیت ... جوادی آملی هر دو بر این اتفاق نظر دارند که قرآن کتاب هدایتگر می باشد و هر دو در تفسیر آیه ی 2 سوره ی بقره ((هدی للمتقین)) به این موضوع اشاره و بحث نموده اند و هر دو بر این معتقدند که خداوند همگی را به جبر هدایت نمی کند بلکه عده ای نیز بوسیله ی آن گمراه خواهند شد. کسانی که از مسیر فطرت انسانی خارج شده (فاسقین) و همچنین منحرفان از مسیر هدایت فطری، مشمول دعوت و هدایت تشریحی قرآن هستند، ولی چون آن رانمی پذیرند به عنوان کیفر بر گمراهی خود می مانند و دیگر قرآن نه تنهامایه ی هدایت، شفا و رحمت نیست، بلکه عامل خسران و ضرر است.

### جامعیت قرآن در مورد معاد و جهان آخرت از دیدگاه شهید مطهری

شهید مطهری در تفسیر سوره ی زخرف آیات 70 تا 76 در مورد معاد و اعتقاد به جهان آخرت بحث نموده اند و بعد از معنی آیات بیان می دارند:

مطلبی را به طور تذکر و یادآوری عرض می کنم. می دانید که این سخن همیشه مطرح بوده است که آیا معاد جسمانی است یا روحانی؟ یعنی انسان ها که محشور می شوند، آیا صرفا روحشان محشور می شود بدون آنکه هیچ جسمی در کار باشد؟ اصلا جسمی در کار نیست و فقط روح محض است، فقط همان چیزی است که درک می کند و تعقل و تفکر می کند، دیگر از جسم

سوره یونس آیه 57<sup>11</sup>

سوره یاسین آیه 70<sup>12</sup>

سوره نحل آیه 89<sup>13</sup>

چیزی در کار نیست؟ و یا اینکه جسم محشور می شود، یعنی انسان با بدن محشور می شود و دارای بدن است؟ البته شق سومش هم که واضح و روشن است که هم جسمانی و هم روحانی، هر دو، یعنی هم لذتها و بهجت‌های روحانی، وهم لذتها و بهجت‌های جسمانی.

لذت جسمانی یعنی لذاتی که انسان با روحش می برد از راه جسم، و به عبارت دیگر لذات عضوی. خاصیتش این است که اولاً اختصاص به یک عضو معین دارد و ثانیاً به یک محرک بیرونی ارتباط دارد در مورد درد ها نیز چنین است یعنی در یک عضو معین و در یک محل معین می باشد. ولی لذت ها و درد های روحی عضو معین ندارد.

بنابراین جزء معتقدات ما این است که معاد وجود دارد و در عالم معاد، هم نوع لذات و آلام جسمانی وجود دارد، هم نوع لذات و آلام روحانی، ما در این دنیا کم و بیش مشاهده می کنیم، یعنی ما اگر درک نکرده باشیم، افرادی که حد بالاتری دارند-نوع لذات و آلام روحانی و آن عالی ترین لذات و آلام روحانی را درک می کنند، و هر دوی اینها در عالم معاد و در بهشت و جهنم قطعاً وجود دارد ولی با اختلاف درجه ی خیلی شدید.

### جامعیت قرآن در مورد معاد و جهان آخرت از دید گاه آیت ... جوادی آملی

یکی از برجسته ترین ره آوردهای انبیای الهی معارف و احکام مربوط به معاد است. مهم ترین عامل صیانت انسان از تبهکار بهمان اعتقاد به قیامت و یاد معاد است: ((انا اخلصناهم بخالصة ذکری الدار))<sup>۱۴</sup> و آنچه مایه ی انحراف و ابتلای به عذاب الهی است، فراموشی قیامت است.

آیت ... جوادی آملی در تفسیر آیه ی 25 سوره ی لقمان (من یحی العظام و هی رمیم) در مورد انکار قیامت دو عامل را بیان می دارند 1- شبهه علمی که همین آیه را بیان می نمایند و می گویند شبهه علمی با اندکی تامل با توجه به آیه زایل می شود و نگاهی به جهان هستی به آن شبهه پایان می بخشد، زیرا در این تامل انسان مشاهده می کند که خدای سبحان همواره درات پراکنده و بی جان را در جهان طبیعت جمع می کند و به آن حیات گیاهی، حیوانی و انسانی می بخشد و در پاسخ به کسانی که نسبت به رستخیز استبعاد دارند می فرماید: خدای سبحان نه تنها قادر بر بعث انسان است، بلکه می تواند خطوط سر انگشتان او را، که از ظرافت های آفرینش است ف به صورت اول بسازد: ((بلی قادرین علی ان نسوی بنانه)).<sup>۱۵</sup>

2- شبهه عملی، عمده ترین عامل انکار معاد است، برای آنکه راه فجور را پیش روی تبهکار بگشاید قیامت را از ریشه انکار می کند: ((بل یرید الانسان لیفجر امامه\* یسئل ایان یوم القیمة))<sup>۱۶</sup> پس همانگونه که اعتقاد به قیامت، تنها یا مهم ترین مانع

<sup>14</sup> سوره ص آیه 46

<sup>15</sup> سوره قیامت آیه 4

<sup>16</sup> سوره قیامت آیات 5 تا 6

تبهکاری است، عمده ترین عامل انکار قیامت نیز، اراده ی گنهکاری است، چون هریک از این دو، منافعی دیگر است و هریک از آنها که قبلا بدست آمده، مانع تحقق دیگری می شود.

همچنین آیت... جوادی آملی انسان ها را از نظر مراتب یقین و ایمان اهل آخرت به سه دسته تقسیم می نماید

1- برخی به قیمت سنگین از دست دادن سعادت ابدی، دنیا را برگزیده و آن را بر حیات آخرت ترجیح داده اند.

2- برخی انسان ها گاهی اهل دنیا و گاهی اهل آخرتند.

3- گروه سوم که برتر از گروه اول و دوم هستند یقینشان به آخرت در مقام منیع لقای حق است، نه منحصر در ترس از جهنم یا شوق بهشت.

### نگاه تطبیقی بر دیدگاه شهید مطهری و جوادی آملی در باب جامعیت قرآن در مسئله معاد و جهان آخرت

از جمله مباحث مبنایی مربوط به شناخت قرآن که در چگونگی فهم و تفسیر آن نقش دارد، جامعیت قرآن در مورد مسئله ی معاد می باشد که به کرات در این باره در سوره ها و آیات مختلف دیده شده است. نوع تلقی هر مفسری از گستره ی موضوعات و مسائل قرآن، و نیز چگونگی و میزان بیان آنها، در برداشت او از معانی و مقاصد آیات و بالتبع، نحوه ی تعامل وی با این کتاب الهی و بهره گیری از آن تاثیر گذار است.

در بررسی تطبیقی در مورد جهان آخرت از دیدگاه شهید مطهری و آیت... جوادی آملی این نکته به وضوح دیده می شود که هر دو فیلسوف گراندقدر بر این باور و عقیده هستند که یکی از مسائل جامعیت قرآن، معاد می باشد و این کتاب آسمانی به طور جامع مسائل مربوط به آخرت را بیان می دارد و نیز در این که در جهان آخرت بستگی به اعمالی که در این دنیا انجام داده ایم جایگاه انسان ها دارای مراتب و در جاتی است عقیده ی مشترک دارند که هر کدام به استناد آیات قرآن به نحوی آن را بیان و تفسیر نموده اند.

یقین به آخرت با عمل برای آخرت همراه است و گرنه ممکن است کسی عالم به قیامت باشد ولی علمش در زیر لایه های زنگار شهوات مدفون باشد و چنین علمی کارساز نیست: ((افرءیت من اتخذ الهه هویه و اضله اللهم علی علم))<sup>17</sup> و اگر آلودگی به گناه نباشد، حتی گمان به آخرت نیز برای حصول به تقوی کافی است.

### جامعیت قرآن در مورد تقوا از دیدگاه شهید مطهری

تقوی کلمه عجیبی است که در قرآن و نهج البلاغه زیاد به کار رفته است و مکرر گفته ایم که ترجمه فارسی ندارد. ریشه اش از ((وقی)) به معنای نگهداری است. خود تقوا ((خود نگهداری)) است، ((خود نجات دادن)) است و مستلزم مفهوم آزادی معنوی

سوره جاثیه آیه 23<sup>17</sup>

است. امیرالمومنین (ع) می فرمایند: ((ان التقوی نجاه من کل ههلهکة و عتق من کل ملکه))<sup>18</sup> تقوا مایه ی نجات از هر هلاکتی و مایه ی آزادی از هر مملوکیتی است.

تقوا در اصطلاح قران و اسلام اصطلاح خاصی است. یک حالت روحی و ملکه ی اخلاقی که هرگاه این ملکه در انسان پیداشد، قدرتی پیدا می کند که می تواند از گناه بپرهیزد اگر چه گناه براو عرضه شود. تقوا اولیاء حق را نگهداری می کند و مصونیت می دهد. ملکه و فضیلت تقوا در روح انسان اثر می گذارد و او را از ارتکاب لغزشها و گناهان باز می دارد.

از دیدگاه شهید واستاد مطهری در کتاب آسمانی ما قران کریم سه اثر برای تقوا بیان شده است یکی اثر روحی که در دنیا پیدا می شود و دو اثر آن در آخرت ظهور پیدا می کند.

قران می گوید تقوی داشته باشید تا عینک درونیتان سفید باشد و جهان را همچنانکه هستست ببینید. ((ان تتقوا الله يجعل لکم فرقانا<sup>19</sup>)) اگر تقوی الهی داشته باشید، اگر درونتان پاک باشد، اگر تیرگی ها را از درون خود زایل بکنید خداوند در دل شما چیزی قرار می دهد که با آن حقایق را خوب تمیز می دهید، یعنی به شما روشنی می دهد. پس انسان در اثر تقوا درونش روشن می شود و به همین دلیل روشن بین می شود و وقتی روشن بین شد، اولاً خودش را خوب می بیند، خوب اندازه گیری می کند، زیادتر از آنچه هست نمی بیند، کمتر از آنچه هست نیز نمی بیند. ثانیاً در اثر این روشن بینی، به حکم اینکه انسان طوری ساخته شده است که جهان را با عینک وجود خودش می بیند، وقتی تقوا داشته باشد و عینک وجودش پاک باشد، جهان را بهتر می بیند و بهتر تشخیص می دهد. این اثر تقوی در دنیا می باشد.

اثر تقوا در آخرت این است که گناهان گذشته را پاک می کند و کفاره ی عمل گذشته است، یعنی (گناهان گذشته) را محو می کند: ((و یکفر عنکم سیناتکم))<sup>20</sup>. مقصود این است که اثر گناهان گذشته را جبران می کند. چون تقوای واقعی (همراه با توبه) است. کسی که یک آلودگی هایی در گذشته داشته، هنگامی با تقوا خواهد بود که از آن آلودگی ها توبه کند. پس اثر آن گناهان گذشته پاک می شود و مجازات اخروی هم از انسان سلب می شود.

### جامعیت قران در مورد تقوا از دیدگاه آیت ا... جوادی آملی

از نظر آیت ا... جوادی آملی تقوا از ریشه ی ((وقایه)) و به معنای خود نگهداری و پرهیز از خطر است و پرهیز از خطر امری فطری بر ای همه ی انسان ها ست، کسی نیست که از خطر اجتناب نکند و اجتناب از آن را لازم نداند. پس ((لعلکم تتقون))<sup>21</sup> می تواند برای ضرورت عبادت نسبت به هر انسانی دلیل باشد، به هر انسانی اعم از مومن، ملحد و مشرک می توان گفت: برای پرهیز از خطر و نجات از عذاب، خدا را عبادت کن. چنین نیست که با مرگ نابود شوید، بلکه با مرگ از عالم طبیعت، به جهان دیگر منتقل می شوید.

نهج البلاغه خطبه 228 با اندک اختلاف<sup>18</sup>

سوره انفال<sup>19</sup>

سوره انفال<sup>20</sup>

سوره بقره آیه 3<sup>21</sup>

ایت ... جوادی آملی به رابطه ی تقوی ، خلقت و عبادت پرداخته و به صورت سوال بیان می دارد که تقوا هدف ((خلقت)) است یا هدف ((عبادت))؟

جواب: دو احتمال وجود دارد یکی آن که ، تقوا هدف خلقت باشد ، یعنی خدا را عبادت کنید ، خدایی که شما را آفرید تا به تقوا برسید. دیگر آنکه ، تقوی هدف عبادت باشد ، یعنی خدا را عبادت کنید تا به تقوا برسید .

تقوی ملکه ای نفسانی است که از راه تمرین در اعمال صالح پدید می آید ، از این رو ، عبادت ، زمینه و سبب تقوی قرار گرفته و انسان با عبادت می تواند ملکه ی تقوا پیدا کند. بحث در این باره زیاد است اما می توان گفت تقوا علت غایی است هم برای عبادت و هم برای خلقت، ولی در طول یکدیگر ، یعنی هدف خلقت عبادت است و هدف عبادت تقوا. قرآن کریم تقوا را وسیله فوز و نایل شدن به خداوند سبحان: ((ولکن یناله التقوی))<sup>۲۲</sup> و مایه ی قبولی اعمال: ((انما یتقبل الله من المتقین))<sup>۲۳</sup> و محور کرامت انسان: ((ان اکرمکم عندا... اتقیکم))<sup>۲۴</sup> و زمینه ی حصول تشخیص حق از باطل: ((ان تتقوا... یجعل لکم فرقانا))<sup>۲۵</sup> و راه خروج از بن بست های فکری و عملی و اخلاقی: ((ومن یتق... یجعل له مخرجاً))<sup>۲۶</sup> معرفی می کند.

### نگاه تطبیقی بر دیدگاه شهید مطهری و جوادی آملی در باب جامعیت قرآن در مورد تقوا

بنا بر نظر اکثریت مفسران اجمال و تفصیل بیان مسائل در قرآن یکسان نیست ، بلکه با توجه به اهمیت و نوع موضوع آنها ، فرق دارد. بعضی از موضوعات به صورت کلیات آمده و بعضی ها به تفصیل در قرآن کریم بیان شده است که در مورد تقوا آیات زیادی آورده شده است در نگاه تطبیقی میان دو عالم بزرگوار در این مورد مشاهده می کنیم که هر دو در معنای تقوا اتفاق نظر دارند و می گویند تقوای واقعی همان است که انسان را نجات می دهد و انسان را رها می سازد (خود نگهداری). انسان در زیر امتحان ها ( چه امتحان به نعمت ها و چه امتحان به نعمت ها) باید تقوا داشته باشند که این تقواست که او را نجات می دهد و آزاد و رها می کند. شهید مطهری بیشتر بر همین نکته با توجه به آیات قرآن تاکید دارد و آیت ... جوادی آملی علاوه بر این به مسئله عبادت در رسیدن به تقوا تاکید دارد و می گویند به گونه ای باید عبادت کرد که محصول آن تقوا باشد و آن عبادت خالصانه است: ((الله الدین الخالص))<sup>۲۷</sup> و برجسته ترین در جه خلوص آن است که در قلب انسان عابد جز خدا احدی نباشد و چنین قلبی قلب سلیم است: ((الا من اتی الله بقلب سلیم))<sup>۲۸</sup>

### جامعیت قرآن در مورد اعجاز از دیدگاه شهید مطهری

<sup>22</sup>37 سوره حج آیه

<sup>23</sup>27 سوره مائده آیه

<sup>24</sup>13 سوره حجرات آیه

<sup>25</sup>29 سوره انفال آیه

<sup>26</sup>2 سوره طلاق آیه

<sup>27</sup>3 سوره زمر آیه

<sup>28</sup>89 سوره شعرا آیه

« معجزه یعنی بینه و آیت الهی که برای اثبات یک مأموریت الهی صورت می‌گیرد و به اصطلاح مقرون به تحدی است، منظوری الهی از اودر کار است، ایناستکه محدود است به شرایط خاصی در جایی دیگر میگوید:

در تعریف معجزه اینجور باید بگوییم که معجزه آن کار و اثری است که از پیغمبری به عنوان تحدی - یعنی برای اثبات مدعی خودش آورده بشود و نشانه‌ای بشری است به طور کلیبر اساس این تعریف ، معجزه از نگاه شهید مطهری دارای چهار رکن اساسی است که عبارتند از :

1- معجزه آیت و نشان الهی است . مقصود از آیت الهی بودن یعی کاری که با نمایاندن قدرت خداوند به مردم همراه است که از این رکن در تعاریف متکلمان مسلمان با قید خارق عادت یاد شده است.

2- معجزه اثبات‌گر مأموریت الهی است . گاهی از مأموریت الهی با عنوان «منصبی از مناصب الهی» یاد می‌شود که مقصود از آن مقام رسالت و نبوت است. زیرا رسول یا نبی از سوی خداوند مأمور ابلاغ پیام‌ها و دستوراتی است.

3- معجزه همراه با تحدی و هم‌آورد طلبی است. یعنی همواره در معجزه از مردم خواسته می‌شود که اگر در صداقت رسالت و ادعای اعجاز تردید دارند ، می‌توانند چیزی همسان با معجزه را ارائه کنند.

4- معجزه محدود به شرایط خاص است. مقصود شهید مطهری از شرایط خاص آن است که پیامبران در منشی حکیمانه آنجا که واقعاً جای اثبات رسالت و نبوت بوده و ضرورت داشت برای اثبات این منصب معجزه ارایه گردد، بنا به اذن و فرمان الهی معجزاتی را متناسب با شرایط زمان ارایه می‌کردند و چنان نبود که طبق دلخواه مردم ، به درخواست‌ها و فزون طلبی‌های آنان یکسره پاسخ مثبت داده و معجزاتی را ارایه کنند. بدین جهت قرآن تاکید می‌کند که رسول اکرم(ص) در برابر درخواست‌های مکرر مشرکان برای ارایه معجزاتی همچون جاری ساختن چشمه، برخورداری از خانه‌ای از طلا و نقره و... به آنان پاسخ منفی داده و اعلام کرده که جز انجام خواست و اراده الهی کاری از او ساخته نیست.

شهید مطهری هم صدا با دیگر اندیشوران میان معجزه و کرامت تفاوت قایل است. وی معتقد است که کرامت از دو جهت با معجزه متفاوت است: 1- کرامت همراه با ادعای مأموریت الهی نیست. 2- کرامت مشروط به شرایط خاصی هم نیست. یعنی یک شخص بنا به قدرت روحی، معنوی و نفسانی خود می‌تواند کارهای خارق‌العاده‌ای در سطوح مختلف ارایه کند. گفتار وی در این باره چنین است: «(کرامت یک امر خارق‌العاده است که صرفاً اثر قوت روحی و قداست نفسانی یک انسان کامل یا نیمه کامل است و برای اثبات منظور الهی خاصی نیست. اینچنین امری فراوان رخ می‌دهد و حتی می‌توان گفت یک امر عادی است و مشروط به شرطی نیست. معجزه زبان خداست که شخصی را تأیید می‌کند، ولی کرامت چنین زبانی نیست. » شهید مطهری این نکته را نیز متعرض می‌شود که در قرآن لفظ معجزه نیامده بلکه واژه آیت آمده و با لفظ معجزه اصطلاح متکلمان است. ایشان هم چنین تحدی را این چنین تعریف کرده است:

« «تحدی» یعنی به مبارزه طلبیدن و تعبیر کردن مردم به اینکه کسی قادر نیست. می‌گویند «تحدی کرده به این» یعنی این را که آورده است به مبارزه طلبیدن و مدعی شده است که مانند این را بشر نمی‌تواند بیاورد و هر کس می‌تواند بیاورد این گوی و این میدان.»

### مفهوم معجزه از دید گاه آیت ... جوادی آملی

((اعجاز)) به کار ویژه و خارق العاده ای گفته می شود که تنها فرستادگان الهی توان انجام آن را دارند و بشر عادی حتی اگر تمام قوای خود را بکاربرد، از آوردن آن عاجز و ناتوان است.

از دیدگاه آیت ... جوادی آملی یکی از ویژگی های اعجاز ممکن الوجود بودن آن می باشد یعنی وقوع اعجاز برای غیر پیامبر و فرستاده الهی ممکن نیست ولی در ذات خود امری ((ممکن الوجود)) است و به همین دلیل رسول خدا می تواند معجزه بیاورد. اگر چیزی محال عقلی باشد، هرگز موجود و متحقق نمی شود. معجزه در اشیای ضروری راهی ندارد یعنی نه می توان وسیله ی معجزه ی شیء ((ضروری الوجود)) را معدوم کرد و نه می توان ((ضروری العدم)) را ((موجود ساخت)).

چیزی که ممتنع الوجود است یعنی امکان به وجود آمدن آن را ندارد و عدم محض است، اگر بخواهد با معجزه موجود باشد، لازمه اش فرو ریختن زیر بنای مسائل عقلی است. اگر عقل حکم کند که چیزی امکان وقوع ندارد و در عین حال آن چیز با معجزه موجود شود، دیگر به عقل و یافته های احکام آن نمی توان اعتماد کرد و اگر چنین شد خود اعجاز هم مشکل پیدا می کند، زیرا دیگر کسی نمی تواند با عقل که معیار تشخیص اعجاز است، آن را تشخیص دهد.

از دید گاه آیت ... جوادی آملی معجزه و کرامت تفاوت جوهری با یکدیگر ندارند بلکه هر دو جز و شئون ((ولایت)) هستند ((نبوت)) و ((امامت)) دو چهره ی بیرونی هستند که درون آنها ((ولایت)) است و اگر نفس انسان کامل شد، می شود ((ولی ...)) و می تواند که به اذن خدا در نظام هستی، تاثیر تکوینی داشته باشد.

کاری را که پیامبران الهی به عنوان معجزه انجام می دهند، اولیای الهی به عنوان کرامت انجام انجام می دهند و هر معجزه ای که انبیاء پیشین داشتند، معصومین (علیهم السلام) نیز می توانند به اذن خداوند داشته باشند، با ایت تفاوت که وحی تشریحی فقط مخصوص پیامبران است.

از نظر آیت ... جوادی آملی اعجاز، کار خارق العاده ای است که برای اثبات نبوت و امامت صورت می گیرد و همراه تحدی و مبارزه طلبی است، لذا امور خارق العاده ای که از شخص پیامبر برای اثبات نبوت یا از شخص امام برای اثبات امامت صادر می شود، معجزه نامیده می شود و آن دسته از امور خارق العاده ای که از سوی پیامبر و امام صادر شده و برای اثبات نبوت و امامت آنان نبوده، کرامت نامیده می شود.

قران کریم، کراماتی را به حضرت مریم (س) نسبت می دهد ولی برخی از متکلمان می گویند: کرامت هایی که به دست حضرت مریم (س) ظاهر شده و قران کریم آنها را بیان فرموده ((ارهاص)) است.

ارهاص: یعنی پیش در آمد معجزه که در حقیقت به برکت صاحب معجزه است که به دست شخص دیگری ظاهر می شود و بنابراین کرامت های حضرت مریم (س) در حقیقت مربوط به اعجاز حضرت عیسی (ع) است.

نگاه تطبیقی جامعیت قران در معجزه واعجاز از نظر ایت ... شهید مطهری و ایت ... جوادی آملی

قران کریم به همه ی موضوعات و مسائلی که برای انسان امکان ورود فکری و عملی میسر است تحدی می کند و لازمه ی آن جامع بودن و اشمال آن بر همه ی مسائل در حد اعجاز می باشد. قران برای فرد بلیغ و سخن ور در بلاغت، برای حکیم در حکمتش، برای عالم در علمش، برای عالم علوم اجتماعی در در تخصص خاص خودش ، برای حاکمان و والیان در حکومتشان و برای تمام جهانیان در آنچه به صورت همگانی بدان دست نمی توان یافت ، مانند غیب ، اختلاف در حکم و علم و بیان معجزه است و کسی مانند آن را نمی تواند بیاورد. پس قران مدعی اعجاز خود از تمام جهات است. (29)<sup>29</sup>

شهید مطهری وایت ... جوادی آملی هر دو براین اعتقادند که امر معجزه فقط مخصوص فرستادگان خدا و پیامبر (ص) می باشد که هر یک به نوعی این مسئله را مطرح و اثبات نموده اند. استاد مطهری معتقد است که پیامبران برای اثبات نبوت خود باید معجزه ای ارائه می دادند وایت ... جوادی آملی می گوید انبیای الهی همواره دو سخن داشته اند ، یکی ((ادعا)) و دیگری (( دعوت)). اعجاز برای اثبات دعوت پیامبران نیست تا سوال شود که چه رابطه ای بین آن دو هست یا اینکه گفته شود که با وجود براهین در محتوای دعوت، نیازی به اعجاز نیست. بلکه اساس اعجاز برای اثبات ادعای نبوت آنان است که این ادعا را بدون معجزه نمی توان اثبات کرد.

شهید مطهری اهمیت بررسی اعجاز پیامبران را در اثبات رسالت پیامبر (ص) و همچنین اثبات نقش هدایت گری قرانرا برای جهانیان می داند.

آیت ... شهید مطهری بین معجزه و کرامت تفاوت قائل است و در مورد کرامت می فرمایند که یک شخص بنا به قدرت روحی ، معنوی و نفسانی خود می تواند کارهای خارق العاده ای را در سطوح مختلف ارائه دهد و برای اثبات کرامت منظور الهی خاصی نیست ، معجزه را زبان خدا می داند در حالی که کرامت چنین زبانی نیست.

آیت ... جوادی آملی می فرمایند معجزه و کرامت تفاوت جوهری با هم ندارند ، کاری را که پیامبر انجام می دهد معجزه می داند و کاری را که اولیای الهی انجام می دهند کرامت بیان می کنند و در مورد کرامت بیان می کنند که ممکن است از غیر پیامبر و امام معصوم هم صادر شود و منع عقلی هم ندارد.

در نگاه تطبیقی می توان گفت که هر دو عالم گرانقدر براین عقیده اند که این دو مفهوم باهم تفاوت دارند و معجزه مخصوص انبیاء الهی و به اذن و اجازه ی خداست در حالی که کرامت مخصوص اولیاء الهی و سایر اشخاص با درجه بندی در سطوح مختلف می باشد .

## نتیجه گیری

المیزان فی التفسیر القرآن جلد 1 ص 59 تا 60<sup>29</sup>

شناخت قرآن، برای هر فرد عالم به عنوان یک فرد عالم، و برای هر فرد مومن به عنوان یک فرد مومن، امری ضروری و واجب است و این ضروری بودن از آن جهت است که منبع اصلی و اساسی دین و ایمان و اندیشه یک مسلمان و آنچه که به زندگی او حرارت و معنی و حرمت و روح می دهد قرآن است. قرآن اصول معتقدات و افکار و اندیشه هایی را که انسان به عنوان یک موجود با ایمان و صاحب عقیده لازم و ضروری است و همچنین اصول تربیت و اخلاق و نظامات اجتماعی و خانوادگی را بیان کرده و تنها توضیح، تفسیر و تشریح و احیای نااجتهاد و تطبیق اصول بر فروع را بر عهده ی سنت و یا بر عهده ی اجتهاد گذاشته است. بنابراین قرآن کتاب جامع و کامل می باشد.

قرآن کریم به تمام ابعاد مادی و معنوی زندگی انسان توجه کرده و جامع مسایلی است که در راستای هدایت انسان به سوی خدا است و پا سخگوی نیاز های انسان در راه دستیابی به سعادت و هدایت در هر عصر و مکان می باشد.

اسلام زنده ترین و پویا ترین دینی است که در بخش های گسترده آسیا و آفریقا حضور دارد از سویی دیگر در میان کتاب های مقدس ادیان و آیین های موجود در دنیا، تنها قرآن است که ضمن تاکید بر آسمانی بودن خود، سایر کتب و ادیان را منسوخ اعلام کرده و خود را تنها کتاب هدایت گر انسان ها و تنها نسخه شفابخش آلام بشری معرفی نموده است. برای آن که چنین مدعایی اثبات شود و پیروان سایر ادیان از تصلب و تعصبات دینی خود دست شسته و در سایه هدایت قرآن قرار گیرند، آیا راهی جز اثبات اعجاز قرآن و آسمانی بودن آن و عدم راهیافت هیچ کلمه، جمله و گفتار غیر الهی در آن وجود دارد؟! از این نکته نمی توان غفلت داشت که در هیچ یک از کتب آسمانی موجود ادعا نشده که تمام الفاظ و عبارات های آن آسمانی است و یا کسی نمی تواند نظیر آن را بیاورد. حتی درباره تورات و انجیل که در میان کتاب های مقدس موجود به آسمانی بودن بیشتر اشتهار دارند، پیروان آنان باور دارند که عهد عتیق و جدید موجود عیناً آن چیزی نیست که بر موسی و عیسی نازل شده است بلکه آن ها را حاصل الهام الهی در طی ۱۵۰۰ سال بر اشخاص گمنام می دانند. حال اگر دانشوران مسلمان به مدد تحقیقات گسترده و عمیق، افق های گشوده اعجاز قرآن را در معرض داوری جهانیان قرار داده و از افق های ناگشوده آن پرده ها را به کنار بزنند، ضمن معرفی جایگاه قرآن، و تحکیم حقانیت اسلام به عنوان آیین خاتم، زمینه هدایت یابی جهانیان به معارف و آموزه های انسان ساز قرآن را هموار می سازند. نگاهی به تاریخ این نکته را روشن می کند که عملاً هیچ کتابی به اندازه ی قرآن بر روی جوامع بشری و بر زندگی انسان ها تاثیر نگذاشته است.

## منابع

- 1- قرآن کریم
- 2- آیت ... جوادی آملی - تسنیم
- 3- آیت ... جوادی آملی - تسنیم - جلد سوم
- 4- استاد شهید مرتضی مطهری - آشنایی با قرآن - جلد سوم - انتشارات صدرا
- 5- استاد شهید مرتضی مطهری - آشنایی با قرآن - جلد پنجم - انتشارات صدرا
- 6- استاد شهید مرتضی مطهری - آشنایی با قرآن - جلد هفتم - انتشارات صدرا
- 7- استاد شهید مرتضی مطهری - آشنایی با قرآن - جلد هشتم - انتشارات صدرا

- 8- قرآن در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1361
- 9- نهج البلاغه
- 10- المیزان فی تفسیر القرآن، جلد اول
- 11- اصول کافی
- 12- ده گفتار
- 13- تاریخ اندلس
- 14- اعجاز القرآن، ابوبکر باقلانی (م ۴۰۳)
- 15- معترك الاقران فی اعجاز القرآن از جلال الدین سیوطی
- 16- البرهان از بدر الدین زرکشی
- 17- الاتقان از جلال الدین سیوطی
- 18- مناهل العرفان از عبد العظیم زرقانی
- 19- التمهید فی علوم القرآن از مرحوم آیه الله معرفت
- 20- قرآن در قرآن از آیت ... جوادی آملی از ص 89 تا ص 111
- 21- تفسیر مجمع البیان از امین الاسلام طبرسی
- 22- تفسیر تبیان از آیت ... خوبی
- 23- آیت الله جوادی آملی؛ جامعه در قرآن؛ ص ۱۰۶ تا ۱۱۲
- 24- آشنایی با قرآن، ج 21، ص 249.
- 25- خاتمیت، صص 105 75.
- 26- آشنایی با قرآن، ج 5، ص 229.
- 27- خاتمیت، ص 73.
- 28- تکامل اجتماعی انسان، ص 33.
- 29- اسلام و مقتضیات زمان، ص 215.
- 30- فلسفه اخلاق، ص 104؛ آشنایی با علوم اسلامی، ج 1 و ص 246؛ حماسه حسینی، ج 1، ص 216؛ عرفان حافظ، ص 32.